**محتوای اطلاعاتی صورت­های مالی تلفیقی با در نظر گرفتن آثار تجدید نظر در استاندارد حسابداری شماره 18**

**چکیده:**

استاندارد شماره 18 که مربوط به تهیه صورت­های مالی تلفیقی است، در سال 1384 تجدید نظر شده است و انتظار می­رود این امر بر مربوط بودن صورت­های مالی (تلفیقی) به عنوان یکی از خصوصیات کیفی صورت­های مالی اثر گذار باشد.

**هدف:** دراین پژوهش، هدف بررسی محتوای اطلاعاتی صورت­های مالی با در نظر گرفتن تجدید نظر در استاندارد حسابداری شماره 18 است.

**روش شناسی:** برای اندازه­گیری مربوط بودن از مدل اوهلسون استفاده شد. نمونه پژوهش متشکل از 33 شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران برای دوره مالی 1394-1382 است. مربوط بودن صورت­های مالی تلفیقی در سال­های قبل و پس از تجدید نظر در استاندارد 1384 مقایسه شد.

**یافته ها:** نتایج پژوهش نشان داد که مربوط بودن سود تلفیقی هر سهم پس از تجدید نظر در استاندارد تفاوت معناداری نداشته است اما ارزش دفتری تلفیقی هر سهم مربوط­تر شده است.

**دانش افزایی:** بررسی محتوای اطلاعاتی صورتهای تلفیقی همواره از دغدغه های استانداردگذاران واستفاده کنندگان از صورتهای مالی است و یافته های آن در جهت تصمیم گیری بهتر سرمایه گذاران مفید است.

**واژه­های کلیدی:** صورت­های مالی تلفیقی، استاندارد حسابداری شماره 18، سرمایه­گذاری در واحد­های تجاری فرعی، محتوای اطلاعاتی

کد طبقه بندی موضوعی: M41

**مقدمه**

بر طبق مفاهیم نظری گزارشگری مالی ایران، خصوصیات کیفی اصلی مرتبط با محتوای اطلاعات، مربوط بودن و قابل اتکا­بودن است و هرگاه اطلاعات مربوط و قابل­اتکا نباشد، محتوای اطلاعات مفید نخواهد بود ]9[. مربوط بودن اطلاعات به ارزش بازار سهام، در صورتی است ­که پس از انتشار گزارش­های مالی قیمت سهام تغییر کند ]8[.

 عوامل متفاوتی بر مربوط بودن اثرگذار است، تدوین استاندارد یکی از عوامل مؤثر بر مربوط بودن اطلاعات حسابداری است ]1، 3[. با توجه به لازم الاجرا شدن استانداردهای حسابداری در ایران از سال 1380، تهیه صورت­های مالی تلفیقی بعد از سال1380 الزامی بوده است. استاندارد شماره 18 که مربوط به تهیه صورت­های مالی تلفیقی است، در سال 1384 تجدید نظر شده است و انتظار می­رود این امر بر مربوط بودن صورت­های مالی (تلفیقی) به عنوان یکی از خصوصیات کیفی صورت­های مالی اثر گذار باشد. با توجه به موارد بالا این پرسش قابل طرح است که آیا تجدیدنظر در استاندارد شماره 18 مربوط بودن صورت­های مالی تلفیقی را افزایش داده است یا خیر؟

**بیان مساله و اهمیت پژوهش**

پیش فرض اساسی این است که اطلاعات منعکس در تهیه صورت­های­مالی تلفیقی، مفهوم­تر، بامعناتر، سودمندتر و آگاه­کننده­تر از اطلاعاتی است که در صورت­های مالی جداگانه واحدهای تشکیل­دهنده­ی گروه ارائه می­شود]5[. از آنجا که تاکنون در هیچ‌یک از پژوهش­های داخلی به بررسی اثر تلفیق بر مربوط بودن اطلاعات حسابداری شرکت­ها و همچنین اثر تجدید نظر در استاندارد شماره 18 پرداخته نشده است، پژوهش حاضر به بررسی این مهم می­پردازد.

**ادبیات و چارچوب نظری**

مربوط بودن و قابل اتكابودن دو ويژگی كيفي مرتبط با محتواي اطلاعات است. هرچه ارزش مربوط­بودن اطلاعات بيشتر باشد صورت­هاي مالي براي تصميم گيري­ سرمايه­گذاران قابل اتكاترند و بين اقلام صورت­هاي مالي و قيمت يا بازده سهام ارتباط قويتري ايجاد مي­كنند ]15، 21[. ارزش مربوط بودن به صورت مفید بودن اطلاعات صورت­های مالی تعریف می­شود. اجزای مربوط بودن شامل به موقع بودن، داشتن توان پیش­بینی و ارزش بازخورد است ]3[.

برای اندازه­گیری مربوط بودن اطلاعات حسابداری و عوامل موثر بر آن پژوهش­های بسیاری انجام شده است، اکثر پژوهش­ها ]12،13[. زمینه مربوط بودن ارزش اطلاعات حسابداري، بر سود حسابداري، به عنوان معیار سود و زیانی تأکید
 داشته­اند. سود حسابداري به عنوان منبعی از اطلاعات مورد توجه قراردارد و توسط بسیاري از سرمایه­گذاران و تحلیلگران در بازارهاي مالی مورد استفاده قرار می­گیرد زیرا به آن­ها اجازه
می­دهد تصوري از عملکرد واقعی شرکت به دست آورند و به ارزش­گذاري آن­ها کمک می­کند. مطالعات اوهلسن[[1]](#footnote-1) ]19[ و فلتهام[[2]](#footnote-2) و اوهلسن ]14[ نیز زیربنایی را براي تعریف مجدد هدف تحقیق در زمینه رابطه بین صورت­هاي مالی و ارزش شرکت ارائه کرد و ساختاری برای الگوسازی در این زمینه فراهم آورد ]11[.

معيار اصلي ارزش مربوط بودن اطلاعات، توانايي تغيير در متغيرهاي كليدي حسابداري (دارايي­، بدهی و سود) است، که با توجه به تدوين استانداردهاي حسابداري انتظار مي­رود متغيرهاي كليدي حسابداري بتوانند بازده سهام و ارزش بازار را بهتر توضیح دهند]18[.

استاندارد شماره 18 با عنوان صورت­هاي‌ مالي‌ تلفيقي‌ و حسابداري‌ سرمايه‌گذاري‌ در واحدهاي‌ تجاري‌ فرعي‌ یکی از این 28 استاندارد بود که در سال 1384 نیز به منظور هماهنگی بیشتر با استانداردهای بین‌المللی حسابداری و بهبود استاندارد قبلی تجدید نظر شد]9[. در حال حاضر صورت­های مالی تلفیقی در ایران، طبق این استاندارد و استاندارد حسابداری شماره 19 (تجدید نظر شده) با عنوان ترکیب­های تجاری تهیه و ارائه می­شوند.

بررسی این استانداردها نشان می­دهد که مبنای اصلی تهیه صورت­های مالی تلفیقی در ایران نظریه نهاد است ولی برخی از رویه­های به­کار گرفته شده با نظریه شرکت اصلی همخوانی دارد]6[. ترازنامه تلفیقی به منظور شناسایی مبلغ دارایی­های خالص شرکت فرعی، از نظریه نهاد استفاده می­کند با این تفاوت که سرقفلی ناشی از تحصیل یک واحد تجاری فرعی که تمامی سهام آن به طور مستقیم با غیر مستقیم متعلق به شرکت اصلی نباشد تنها به نسبت سهم شرکت اصلی شناسایی می­شود و هیچ مبلغی به سهامداران اقلیت تخصیص نمی­یابد. به عبارت دیگر سهم انتساب­پذیر به به سهامداران اقلیت از دارایی­های خالص شرکت فرعی، باید متناسب با سهم آن­ها از ارزش منصفانه دارایی­های خالص قابل تشخیص شرکت فرعی در تاریخ تحصیل به علاوه سهم آن­ها از تغییرات حقوق مالکانه از تاریخ تحصیل به بعد محاسبه شود، ولی سرقفلی ناشی از تحصیل شرکت فرعی تنها باید درباره آن بخش که انتساب­پذیر به شرکت اصلی است شناسایی شود ]9[.

بنابراین، با توجه به اثری که تدوین استاندارد می­تواند بر مربوط بودن اطلاعات صورت­های مالی داشته باشد انتظار می­رود تدوین استاندارد حسابداری شماره 18 مبنی بر لزوم تهیه
صورت­های مالی تلفیقی در زمان وجود کنترل و تجدید نظر آن در سال 1384 بر مربوط بودن اطلاعات ارائه شده توسط شرکت­ها در صورت­های مالی اثر گذار باشد.

**پیشینه پژوهش**

**پیشینه خارجی**

کارگین]17[ در پژوهشی به بررسی اثر استانداردهای بین¬المللی حسابداری بر مربوط¬بودن صورت¬¬های مالی در بین شرکت¬های ترکیه¬ای پرداخت. وی با استفاده از مدل مربوط بودن اوهلسون مربوط¬بودن اطلاعات صورت¬های مالی را پیش و پس از استفاده از استانداردهای بین¬المللی حسابداری بررسی کرده است. نتایج پژوهش وی نشان داد که مربوط بودن ارزش دفتری پس از استفاده از استانداردهای بین¬المللی افزایش یافته است، اما مربوط بودن سود حسابداری تغییری نداشته است.

اکتاویان ]8[ به بررسی اثر استفاده از استاندارد بین­المللی حسابداری از سال 2005 (سال تصویب و الزام بکارگیری استاندارد بین المللی جهت تهیه اطلاعات مربوط به گروه)، بر خصوصیات کیفی اطلاعات مالی تلفیقی تهیه شده توسط شرکت­ها، در بزرگترین بازارهای سهام اروپا (لندن، پاریس و فرانک­فورت) پرداختند. نتایج نشان دهنده­ی افرایش مربوط بودن اطلاعات مالی تلفیقی پس از تصویب و بکارگیری این استاندارد بود، ولی به طور قطع نمی­توان گفت که تصویب و به­کارگیری این استاندارد سبب افزایش کیفیت اطلاعات مالی تلفیقی در مقایسه با اطلاعات مالی جداگانه شرکت اصلی شده است.

پیرهاتنی و همکاران]20[ به بررسی مربوط بودن ارزش اطلاعات حسابداری پس از همگرا شدن با استانداردهای بین المللی حسابداری در دوره زمانی 2014-2008، در بورس اوراق بهادار اندونزی پرداختند. نتایج پژوهش نشان داد سود هر سهم و ارزش دفتری هر سهم در این سال¬ها و پس از همگرا شدن استانداردهای ملی با استاندارد بین¬المللی، نسبت به قبل از همگرایی مربوط¬تر شده است اما از مربوط بودن جریانات نقدی هر سهم کاسته شده است.

**پیشینه داخلی**

در ایران تاکنون هیچ پژوهش تجربی به بررسی همزمان اثر تهیه صورت­های مالی تلفیقی شامل ترازنامه و صورت سود و زیان و تجدید نظر در استاندارد شماره 18، با موضوع تهیه صورت­های مالی تلفیقی و سرمایه­گذاری در واحدهای تجاری فرعی بر مربوط بودن اطلاعات صورت­های مالی نپرداخته است، اما برخی از پژوهش­هایی که تا حدی به موضوع این پژوهش مربوط هستند تشریح می شوند.

احمدپور و همکاران]1[ به بررسی ارتباط بین سود تلفیقی با قیمت سهام در بورس اوراق بهادار تهران و ارزیابی سودمندی و اثر بخشی تغییرات اعمال شده در استاندارد حسابداری شماره 18 جهت تأثیر تصمیم­گیری استفاده­کنندگان پرداختند. نتایج پژوهش نشان داد که بین سود تلفیقی هر سهم با قیمت آن ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین تغییرات اعمال شده در استاندارد شماره 18 سودمند و اثر بخش بوده و موجب بهبود ارتباط بین سود تلفیقی با قیمت سهام شده است.

وجه تمایز این پژوهش در این است که در پژوهش احمدپور و همکاران ]1[ اطلاعات صورت­های مالی اصلی و تلفیقی از نقطه نظر مربوط بودن با یکدیگر مقایسه نشده و تنها به بررسی ارتباط بین سود تلفیقی با قیمت بازار سهام و اثر بخشی تغییرات اعمال شده در استاندارد شماره 18 بر این رابطه پرداخته شده است. همچنین در پژوهش نامبرده، بر خلاف این پژوهش از هیچ مدل اندازه­گیری مربوط بودن استفاده نشده و اثر متغیرهای کنترلی بر ارزش بازار سهم نادیده گرفته شده است. همچنین اثر تجدید نظر در استاندارد شماره 18 بر مربوط بودن ارزش دفتری هر سهم نیز بررسی نشده است.

سبز علی¬پور ]4[ با توجه به تجدید نظر بر استاندارد تلفیق در سال 1384، اثر همگرایی استاندارد تلفیق ایران با استاندارد بین المللی را بر سودمندی اطلاعات تلفیقی بررسی نمود. نتایج پژوهش وی نشان داد که ارتباط قوی¬تری بین متغیرهای مستقل الگو با بازدهی و قیمت سهام برقرار شده است بنابراین همگرایی استاندارد تلفیق در ایران با استاندارد بین المللی بر سودمندی اطلاعات اثر گذار بوده است.

رحمانی و همکاران ]2[ در پژوهشی با عنوان سومندی صورت¬های مالی تلفیقی از دیدگاه محتوای اطلاعاتی، به ارزیابی محتوای اطلاعاتی صورت¬های مالی تلفیقی در مقایسه با صورت¬های مالی شرکت اصلی پرداختند و سودمندی این صورت¬ها را برای استفاده¬کنندگان از صورت¬های مالی مورد بررسی قرار دادند. نتایج پژوهش آن¬ها نشان داد که صورت سود و زیان تلفیقی سودمندتر از صورت سود و زیان شرکت اصلی است و صورت جریان وجوه نقد شرکت اصلی و تلفیقی فاقد محتوای اطلاعاتی می¬باشند و همچنین صورت سود و زیان در مقایسه با صورت جریان وجوه نقد سودمند تر است.

قیطاسی و سبزعلی¬پور]7[ به بررسی توان فزاینده سود شرکت اصلی در مقایسه با سود شرکت فرعی در پیش¬بینی سود تلفیقی پرداختند، نتایج پژوهش آن¬ها نشان داد که سود شرکت فرعی توان بیشتری در مقایسه با سود شرکت اصلی در پیش¬بینی سود تلفیقی دارد.

**فرضیه­های پژوهش**

**فرضیه اصلی** بین مربوط بودن اطلاعات صورت­های مالی تلفیقی قبل و بعد از تجدید نظر در استاندارد حسابداری شماره 18 تفاوت معناداری وجود دارد.

**فرضیه فرعی اول:** بین مربوط بودن سود هر سهم تلفیقی قبل و بعد از تجدید نظر در استاندارد حسابداری شماره 18 تفاوت معناداری وجود دارد.

**فرضیه فرعی دوم**: بین مربوط بودن ارزش دفتری هر سهم تلفیقی قبل و بعد از تجدید نظر در استاندارد حسابداری شماره 18 تفاوت معناداری وجود دارد.

###  متغيرهاي پژوهش

در این مطالعه سه نوع متغیر به­کار برده می­شود: 1) متغیر مستقل، 2) متغیر وابسته و 3) متغیر­های کنترلی.

### متغیر وابسته. در این مطالعه مربوط بودن اطلاعات صورت­های مالی به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شده است که مشابه اکثر پژوهش­های انجام شده در زمینه مربوط ­بودن ارزش اطلاعات حسابداري ]13، 16، 11[ در این پژوهش نیز از الگوی اوهلسن ]19[ استفاده می­شود.

 الگوي اوهلسن به شرح زیر است:

مدل شماره 1:

 $MV\_{jt}=α\_{0}+α\_{1}BV\_{jt}+α\_{2}E\_{jt}+e\_{jt}$

در این الگو MVjtارزش بازار هر سهم شرکت j در پایان ماه ارائه صورت­های مالی (تاریخ مجمع عمومی صاحبان سهام)، $BV\_{jt}$ ارزش دفتری هر سهم شرکت در سال j و $E\_{jt}$ سود حسابداری گزارش شده هر سهم شرکت j در سال t است.

###  متغير مستقل: سود هر سهم. عبارت است از عایدی که بابت هر سهم تحت تملک سهامدار به وی تعلق می­گیرد و از تقسیم سود خالص بر تعداد سهام عادی بدست می­آید.

**ارزش دفتری هر سهم:** مبلغی است که بر اساس صورت­های مالی محاسبه می­شود و حاصل تقسیم جمع حقوق صاحبان سهام بر تعداد سهام عادی است.

### متغيرهای کنترلی. تحقیقات تجربی نشان داده اند که ویژگی­هاي خاص هر شرکت(توانایی سودآوری شرکت، اندازه شرکت، فرصت­های رشد و اهرم مالی) می تواند بر مربوط بودن ارزش اطلاعات حسابداري اثرگذار باشد ]11[.

**مدل پژوهش**

با توجه به فرضیه­ها و بر اساس پژوهش اوهلسون ]11[ مدل­ رگرسیونی مطالعه به قرار زیر است:

مدل شماره 2)

$$MVjt=α\_{0}+α\_{1}BV\_{jt}+α\_{2}E\_{jt}+ β\_{1J }D\_{K}BV\_{jt}+β\_{2J }D\_{K}E\_{jt}+ α\_{4}Size\_{jt}+α\_{5}Lev\_{jt}+ e\_{jt}$$

MVjt: ارزش بازار هر سهم شرکت j در پایان ماه ارائه صورت­های مالی

$BV\_{jt}$: ارزش دفتری هر سهم شرکت jدر سال t

$BVC\_{jt}$: ارزش دفتری تلفیقی هر سهم شرکت jدر سال t

$E\_{jt}$ : سود هر سهم شرکت j در سال t

$EC\_{jt}$ : سود تلفیقی هر سهم شرکت j در سال t

$Size\_{jt}$ : اندازه شرکت j در سال t

 $Lev\_{jt}$ : اهرم مالی شرکت j در سال t

$D\_{K}$: متغیر مصنوعی که برای سال­های قبل از تجدید نظر (1385-1382) در استاندارد شماره 0 و برای سال­های پس از تجدید نظر (1394-1386) در استاندارد شماره 1 در نظر گرفته شده است.

**جامعه آماری**

در این راستا کلیه شرکت‏های عضو جامعه آماری که دارای‏ شرایط زیر بوده‏اند جزء شرکت‌های مورد مطالعه لحاظ شدند. شرایط مذکور به شرح زیر است:

1. شرکت­هایی که علاوه بر تهیه صورت­های مالی جداگانه، اقدام به ارائه صورت­های مالی تلفیقی نمایند.
2. تا قبل از پایان سال 1382، در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشند.
3. پایان سال مالی آن‌ها منتهی به پایان اسفند باشد.
4. طی سال‌های 1382 تا 1394، تغییر سال مالی نداده باشند.
5. اطلاعات مالی مورد نیاز، به ویژه یادداشت‌های توضیحی همراه آن­ها در دسترس باشد.

که بر اساس محدویت­های بالا از بین شرکت­های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار، 33 شرکت به عنوان نمونه آماری پژوهش انتخاب شد.

**روش­های آماری مورد استفاده در پژوهش**

پس از این که داده‌ها از نرم­افزارها و بانک‌های اطلاعاتی مورد نظر جمع‌آوری شد، به منظور طبقه‌بندی مناسب، در نرم‌افزار اکسل[[3]](#footnote-3) نسخه 2013 وارد می­شود. نخستین مرحله پس از
طبقه­بندی داده­ها، محاسبه آماره­های توصیفی متغیر­های حاضر در پژوهش است. آماره­های توصیفی نشان­دهنده میانگین، میانه، انحراف معیار، حداکثر­ و حداقل است. سپس، ماتریس همبستگی متغیرهای مسئله پژوهش با استفاده از شاخص پیرسون ارائه خواهد شد. شرکت­های عضو جامعه آماری شرکت­هایی هستند که از استاندارد حسابداری شماره 18 و تجدید نظر شده آن در سال 1384 استفاده کرده­اند. از روش­هاي آماري تحليل همبستگي و رگرسيون، بوسیله­ی نرم افزارEviews نسخه 7 به آزمون فرضيه­هاي پژوهش پرداخته خواهد شد. قبل از انجام رگرسیون با استفاده از آزمون لوین، لین و چو، ایستایی متغیرها بررسی و با استفاده از آزمون F لیمر و چاو، نوع داده­ها (پانل و مقطعی) مشخص می­شود و اگر داده­ها از نوع پانل باشد با استفاده از آزمون هاسمن نوع پانل تعیین خواهد شد. در نهایت آزمون رگرسیون انجام خواهد شد و از آزمون والد به منظور مقایسه ضرایب، استفاده خواهد شد.

**یافته های پژوهش**

در کليه متغيرهاي مستقل، وابسته و کنترلي سطح معناداري در آزمون پایایی لوين، لين و چو كوچك‌تر از 0.05 است. بنابراین، متغيرهای این پژوهش پايا هستند.

همچنین با بررسی داده ها مشخص می شود که روش داده‌هاي تابلويي و پنل اثرات ثابت برای آزمون فرضیه اول مناسب است. نتایج حاصل از آزمون مدل شماره 2، در جدول شماره 1 ارائه شده است.

**جدول 1: تحلیل رگرسیون مدل شماره (2)**

|  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| متغیر | شرح | ضریب | آماره t | انحراف معیار خطا | سطح معناداری |
| $$α\_{0}$$ | ضریب ثابت | 3199.984 | 1.9428 | 1647.033 | 0.0258 |
| $$BVC\_{jt}$$ | ارزش دفتری تلفیقی هر سهم | 0.1303 | 5.070 | 0.0257 | 0.0000 |
| $$EC\_{jt}$$ | سود تلفیقی هر سهم | 0.0506 | 4.6295 | 0.0108 | 0.0000 |
| $$D\_{K}BVC\_{jt}$$ | متغیر مصنوعی در ارزش دفتری تلفیقی | 0.2507 | 5.4347 | 0.0462 | 0.0000 |
| $$D\_{K}EC\_{jt}$$ | متغیر مصنوعی در سود تلفیقی هر سهم | 0.0802 | 2.2870 | 0.0354 | 0.0041 |
| $$Size\_{jt}$$ | اندازه شرکت | 168.1256- | 1.4426- | 116.5365 | 0.1499 |
| $$Lev\_{jt}$$ | اهرم مالی | 1066.623 | 2.6235 | 406.5585 | 0.0090 |
| آماره دوربین واتسون | 1.9379 | ضریب تعیین | 0.5346 |
| ضریب تعیین تعدیل شده | 0.4849 |
| آماره F | 11.7929 |
| سطح معناداری | 0.0000 |

با توجه به نتایج بدست آمده از مدل از آن جهت که سطح معناداری سود تلفیقی هر سهم، (0.0000) از 0.05 کم­تر است، بنابراین، می­توان ادعا کرد که بین سود تلفیقی هر سهم و ارزش بازار سهم رابطه معناداری از نوع مثبت وجود دارد. از سوی دیگر با توجه به نتایج بدست آمده از آن جهت که سطح معناداری حاصل­ضرب سود تلفیقی هر سهم در متغیر مصنوعی (0041.) از 5 درصد کم­تر است، بنابراین، می­توان ادعا کرد که بین سود تلفیقی هر سهم در سال­های پس از تجدید نظر و ارزش بازار سهم نیز رابطه معناداری از نوع مثبت وجود دارد. همچنین، نتایج بدست آمده نشان می­دهد که سطح معناداری ارزش دفتری تلفیقی هر سهم (0.0000)، از 0.05 کم­تر است. بنابراین، می­توان ادعا کرد که بین ارزش دفتری تلفیقی هر سهم و ارزش بازار سهم رابطه معناداری از نوع مثبت وجود دارد و در نهایت از آن جهت که سطح معناداری ارزش دفتری تلفیقی هر سهم در متغیر مصنوعی (0.0000)، از 0.05 کم­تر است. بنابراین، می­توان ادعا کرد که بین ارزش دفتری تلفیقی هر سهم در سال­های پس از تجدید نظر در استاندارد و ارزش بازار سهم نیز رابطه معناداری از نوع مثبت وجود دارد.

**آزمون فرضیه فرعی اول**. براساس نتایج جدول 2، با توجه به سطح معناداري آزمون والد ضرایب دو متغیر
سود هر سهم (C3) و سود تلفیقی هر سهم (C5) برابر 0.7143 و بیشتر از 0.05 می باشد. بنابراین، فرضیه برابري ضرایب متغیرهاي پذیرفته شده و ضرایب برابر هستند. یا به بیان صحیح­تر اختلاف آن­ها از لحاظ آماری معنادار نیست. از آن جهت که تفاوت ضرایب سود تلفیقی هر سهم و حاصلضرب متغیر مصنوعی در سود تلفیقی هر سهم از لحاظ آماری معنادار نشد. بنابراین رابطه سود تلفیقی هر سهم با ارزش بازار سهام در سال­های قبل از تجدید نظر در استاندارد شماره 18 و سا­ل­های پس از آن از لحاظ آماری تفاوتی نداشته است و تجدید نظر در استاندارد شماره 18 بر اساس نتایج آزمون فرضیه­­ی این پژوهش، موجب تغییر با اهمیتی در مربوط بودن سود تلفیقی هر سهم نشده است.

**جدول 2: نتایج آزمون والد فرضیه فرعی اول**

|  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- |
| **خطای استاندارد برآورد** | **سطح معناداری** | **آماره F** | **تفاضل ضرایب** | **ضرایب** |
| 0.0408 | 0.7143 | 0.1341 | 0.0296 | C3-C5 |

**آزمون فرضیه فرعی دوم**. براساس نتایج جدول 3، با توجه به سطح معناداري آزمون والد ضرایب دو متغیر
ارزش دفتری تلفیقی هر سهم (C2) و حاصل­ضرب متغیر مصنوعی در ارزش دفتری تلفیقی هر سهم (C4) برابر 0.0000 و کمتر از 0.05 می­باشد. بنابراین، فرضیه برابري ضرایب متغیرهاي پذیرفته نشده و ضرایب برابر نیستند. تفاضل ضرایب منفی و برابر با 0.1204- است. از این رو میزان رابطه ارزش دفتری تلفیقی هر سهم با ارزش بازار سهام در سال­های پس از تجدید نظر در استاندارد شماره 18 در مقایسه با همین رابطه در سال­های قبل از تجدید نظر در استاندارد شماره 18تفاوت معناداری دارد. از آن جهت که شدت رابطه ارزش بازار سهم با ارزش دفتری تلفیقی هر سهم همان مربوط بودن اطلاعات صورت­های مالی تلفیقی است، بنابراین فرضیه فرعی دوم قبول می­شود و نتایج آزمون نشان می­دهد که تجدید نظر در استاندارد شماره 18 بر مربوط بودن ارزش دفتری تلفیقی هر سهم اثر داشته است و سبب افزایش مربوط بودن آن نسبت به قبل شده است.

**جدول 3: نتایج آزمون والد فرضیه فرعی دوم**

|  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- |
| **خطای استاندارد برآورد** | **سطح معناداری** | **آماره F** | **تفاضل ضرایب** | **ضرایب** |
| 0.2426 | 0.0000 | 15.3416 | 0.1204- | C2-C4 |

**نتیجه گیری**

به طور کلی نتایج بدست آمده از آزمون فرضیه­ اصلی نشان داد مربوط­ بودن صورت­های مالی تلفیقی در سال­های قبل و پس از تجدید نظر در استاندارد شماره 18 برای صورت سود و زیان (سود تلفیقی هر سهم) تفاوت معناداری نداشته است، اما برای ترازنامه (ارزش دفتری تلفیقی هر سهم) تفاوت معناداری داشت و تجدید نظر در استاندارد سبب افزایش مربوط بودن ارزش دفتری تلفیقی هر سهم شده است. نتایج این پژوهش مشابه نتایج پژوهش­ سبزعلی­پور ]4[ و مخالف احمدپور و همکاران ]1[ است.

از سوی دیگر با توجه به اثر تجدید نظر در استاندارد شماره 18 بر مربوط­تر کردن ارزش دفتری هر سهم که نماینده­ ترازنامه تلفیقی است. تجدید نظر در استاندارد حسابداری شماره 18 توانسته است بازده سهام و ارزش بازار سهام را بهتر توضیح دهد]18[ و استانداردگذاران در زمینه تدوین این استاندارد در ارتباط با ترازنامه تلفیقی موفق و تجدید نظر در این استاندارد به پیامدهای خوب اقتصادی منتهی شده­ است ]2[ و مربوط بودن (ارزش دفتری تلفیقی هر سهم) به عنوان یک خصوصیت کیفی با تجدید نظر در استاندار تغییر کرده است ]10[ اما با تجدید نظر در استاندارد شماره 18 در سال 1384، مربوط بودن سود تلفیقی هر سهم تفاوت معناداری نداشته است که با توجه به متفاوت بودن این نتیجه با نتیجه پژوهش داخلی ]1[ می­توان چنین نتیجه گرفت که برای بررسی اثر تجدید نظر در استاندارد بر مربوط بودن، به دوره­ زمانی بیش از دو سال نیاز است (در پژوهش احمدپور و همکاران ]1[ مربوط بودن دو سال قبل و بعد از تجدید نظر بررسی شده است).

به استانداردگذاران پیشنهاد می­شود در دوره­های زمانی معین که با توجه به تفاوت نتایج این پژوهش و پژوهش احمدپور همکاران ]1[ می­بایست بیش از دو سال باشد، میزان مفید بودن و اثرگذاری آن را بر خصوصیات کیفی اطلاعات صورت­های مالی بررسی کنند، تا میزان موفقیت در دستیابی به اهداف تجدید نظر مشخص و تعیین گردد که استانداردگذاران تا چه اندازه در دستیابی به اهداف خود موفق بوده­اند، همچنین تدوین استاندارد با تاکید بر شرایط محیطی و در نظر گرفتن شرایط خاص تجاری کشور انجام پذیرد و با از بین بردن عدم اطمینان (شفاف­ سازی) موجب رونق بازار سرمایه شود.

به مراجع تصمیم­گیرنده در بورس اوراق بهادار تهران نیز پیشنهاد می­شود که با توجه به اهمیت صورت­های مالی تلفیقی در امر تصمیم­گیری، شرکت­ها را ملزم به ارائه صورت­های مالی تلفیقی میاندوره­ای کند تا اطلاعات لازم جهت تصمیم­گیری، به موقع در اختیار تصمیم­گیرندگان قرار گیرد.

پیشنهاد می­شود به منظور استفاده هر چه بیش­تر از نتایج پژوهش و نیز آگاهی بیش­تر از مزایا و معایب تهیه صورت­های مالی تلفیقی، در پژوهش­های آینده، به موضوعات زیر توجه شود:

1. مقایسه تمامی نظریه­های تهیه صورت­های مالی تلفیقی بر اساس ویژگی مربوط بودن، تا نظریه تلفیق مناسب با شرایط کشور مشخص و به استانداردگذاران پیشنهاد شود.

2. مقایسه صورت­های مالی اصلی و تلفیقی بر اساس سایر خصوصیات کیفی اطلاعات صورت­های مالی به جز مربوط بودن.

3. مقایسه صورت­های مالی اصلی و تلفیقی بر اساس سایر مدل­های اندازه­گیری مربوط بودن اطلاعات حسابداری (مدل مرتبط با سود، مدل مرتبط با ترازنامه، مدل مرتبط با ارزش دفتری و سودها، مدل مرتبط با اقلام تعهدی و جریان وجوه نقد و مدل­های هوش مصنوعی).

4. مقایسه میزان محافظه­کاری به کار گرفته شده در تهیه صورت­های مالی تلفیقی و اصلی.

5. بررسی وجوه تمایز استاندارد شماره 18 جدید با استاندارد شماره 18 قبلی و چگونگی اثر گذاری این وجوه تمایز بر سود مالی تلفیقی و ارزش دفتری تلفیقی.

**منابع**

1. احمدپور، الف. و هادیان، س. الف. (1394). بررسی تغییرات مربوط بودن اطلاعات حسابداری. *بررسی­های حسابداری و حسابرسی*. دوره 22. شماره 1. ص­ص. 20-1.
2. رحمانی، ع.، عامری، ب. و کرمی، ف. (1393). سودمندی صورت های مالی تلفیقی از دیدگاه محتوای اطلاعاتی. *پژوهش های حسابداری مالی و حسابرسی*. دوره 6. شماره 24.
ص­ص. 70-53.
3. ریاحی­بلکویی، الف. (1389). *تئوری­های حسابداری.* علی پارسائیان (مترجم). فرهنگ و مدیریت.
4. سبزعلی­پور، ف. (1391). تأثير همگرايي استاندارد تلفيق ايران با استاندارد بين­المللي بر سودمندي اطلاعات تلفيقي. *فصلنامه دانش حسابداري*، شماره 11. ص­ص.201-181.
5. [عالیور](http://www.ensani.ir/fa/22884/profile.aspx)، ع. (1381). [مبانی نظری صورت­های مالی تلفیقی](http://www.ensani.ir/storage/Files/20101111110921-p0145200140361.pdf). [*حسابرس*.](http://www.ensani.ir/fa/12448/magazine.aspx) شماره 14.
6. عظیمی، م. (1387). بررسی تطبیقی مبانی نظری تهیه صورت­های مالی تلفیقی. *ماهنامه حسابرس*. شماره 41. ص­ص. 45-32.
7. قيطاسي، ر. و سبزعلي­پور، ف. (1394). بررسي توان فزآينده سود شركت اصلي در مقايسه با سود فرعي در پيش بيني سود تلفيقي. *فصلنامه پژوهش هاي تجربي حسابداري*. شماره 17. ص­ص. 175-163.
8. کردستانی، غ. و ایرانشاهی، م. (1391). تاثیر محافظه­کاری بر میزان مربوط بودن اطلاعات حسابداری به ارزش بازار سهام. *فصلنامه دانش حسابرسی*. شماره 46. ص­ص. 33-18.
9. کمیته تدوین استاندارد­های حسابداری (1389). استاندارد­های حسابداری. چاپ بیستم. تهران: انتشارات سازمان حسابرسی.
10. معین­الدین، م.، طباطبائی، ز. و زارع­زاده، ز. (1391). ﺗﺄﺛﻴﺮ ﺗﺪوﻳﻦ و اﺟﺮاي اﺳﺘﺎﻧﺪاردﻫﺎي ﺣﺴﺎﺑﺪاري ﻣﻠﻲ ﺑﺮ وﻳﮋﮔﻲ ﻛﻴﻔﻲ ﻣﺮﺑﻮط ﺑﻮدن اﻃﻼﻋﺎت ﺣﺴﺎﺑﺪاري. ﭘﮋوﻫﺶ ﻫﺎي ﺗﺠﺮﺑﻲ ﺣﺴﺎﺑﺪاري ﻣﺎﻟﻲ. ﺳﺎل دوم، ص­ص. 130-114.
11. مهرانی، س.، فعال­قیومی، ع. و مرادی، م. (1391). رابطه بین مالکیت نهادی، تمرکز مالکیت نهادی و مربوط­بودن ارزش اطلاعات حسابداری. *دانش حسابداری.* سال سوم. شماره 11.
ص­ص. 55-31.
12. Benayed, M. R., and Abaoud, E. (2006). Value Relevance of Accounting Earnings and the Information Contents: Empirical Evidence in Tunisian Stock Exchange, Available Online­ At: <http://papers.ssrn.com.>
13. Collins, D. W., Maydew, E. L. & Weiss, I. S. (1997), Changes in the Value Relevance Over the Past Forty Years. *Journal of Accounting and Economics*, 24, pp. 39-67.
14. Feltham, G. & Ohlson, J. (1995). Valuation and Clean Surplus Accounting for Operating and Financia Activities. *Contemporary Accounting Research,* pp. 689-731.
15. Francis, J. & Schipper, K. (1999). How Financial Statements Lost their Relevance. *Journal of Accounting Research*. 37 (2). pp. 319–352.
16. Gjerde, O., Knivsfla, K. & Saettem, F. (2007). The Value-Relevance of Financial Reporting in Norway 1965-2004. Available at SSRN: [www.ssrn.com](http://www.ssrn.com).
17. Kargın, L. (2013). The Impact of IFRS on the Value Relevance of Accounting Information: Evidence from Turkish Firms. *International Journal of Economics and Finance*. 5 (4).
18. Kevin, C. K. L., Heibatollah, S. & Haiyan, Zh. (2013). Change in the Value Relevance of Accounting Information over Time: Evidence from the Emerging Market of China. *Journal of Contemporary Accounting & Economic*. Vol. 9. Pp.123-135.
19. Ohlson, J. (1995). Earnings, Book Values, and Dividends in Equity Valuation. *Contemporary Accounting Research,* pp. 661-687.
20. Prihatni, R., Subroto, B., Saraswati, E. & Purnomosid, B. (2017). Analysis of Value Relevance of Accounting Information during IFRS Period of 2008 –2014 at the Stock Exchange of Indonesia. *International Academic Institute for Science and Technology*. 3 (3). Pp. 1-10.
21. Sami, H. & Zhou, H. (2004). A Comparison of Value Relevance of Accounting Information in Different Segments of the Chinese Stock Market. *International Journal of Accounting*, 39 (4). Pp. 403-427.

**The Investigation of Information Content of Consolidated and Separate Financial Statements Considering Revised Accounting Standard No. 18**

**Abstract**

The purpose of this research is to investigate the information content of consolidated and separated financial statements with regard to the restatement the accounting standard No. 18. The relevance was measured by the Ohlson model of 1995. Statistical sample of the study consisted of 33 companies listed in Tehran Stock Exchange from 2003 to 2015. In the first hypothesis, the relevance of principal firm’s financial statements compared with the consolidated financial statements. The research results showed the relevance of consolidated financial statement is more than principal firm’s financial statements. In second hypothesis, relevance of consolidated financial statement before and after the restatement in accounting standard was compared. The research results showed that relevance of consolidated earning per share did not significant change after restatement in accounting standard but the consolidate book value of per share gets relevance.

**Keywords:** Consolidated Financial Statements, Accounting Standard No 18, The Entity's Investment in Subsidiary, Information Content

**JEL Classification:** M41

1. Ohlson [↑](#footnote-ref-1)
2. Feltham [↑](#footnote-ref-2)
3. EXCEL [↑](#footnote-ref-3)